بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc425164361)

[اشکال عموم و خصوص من وجه در روایات 2](#_Toc425164362)

[دو جواب بر اشکال فوق 3](#_Toc425164363)

[اشکال محتوایی 3](#_Toc425164364)

[اشکال حکومت دلیل حرز 4](#_Toc425164365)

# مرور بحث گذشته

بحث سابق، در مورد سرقت از درخت، زرع و میوه بود. گفته شد که؛ آنچه محل اختلاف است، سرقت ثمره، قبل از چیدن آن‌هاست. اما، آن صورتی که سرقت از ثمره بعد از چیدن باشد، محل بحث نیست.

 وقتی، زرعی را درو کردند یا میوه‌ای را، از درخت چیدند و در جایی قرار دادند، این، حکمش حکم خاصی نیست، تابع همان قاعده کلی است که اگر میوه‌ای، چیده شده و در حرز است، قطع ید دارد، و اگر این میوه، در حرز نیست، قطع ید ندارد.

سه صورت، موجود بود؛ صورت اولی، این بود که؛ کسی، میوه را بعد از چیدن یا زرع بدزدد، اینجا، می‌گفتیم؛ حکمش، همان حکم حرز و عدم حرز است. حرز باشد، قطع ید دارد، حرز نباشد، قطع ید ندارد. صورت سوم، این بود که؛ قبل از چیدن و درو کردن بوده و در حرز هم، نباشد. این صورت سوم، محل بحث نیست، چراکه؛ حرز نیست و قطع ید هم ندارد.

 آن صورت ثالثه، محل بحث بود؛ که چیده نشده، ولی در حرز است. اینجا، محل اختلاف بود. گفتیم؛ علی‌القاعده، باید قاعده ید را در اینجا، هم جاری کنیم و قاعده کلی، این است که؛ اگر مالی، در حرز بود و به حد نصاب رسید، حد جاری می‌شود.

اما علی‌رغم این مسئله، اینجا اختلاف وجود دارد، گفتیم؛ دو قول است؛ قول به این‌که؛ قطع ید، طبق قواعد صورت می‌گیرد، و قول دیگری که؛ می‌گویند؛ در اینجا، استثنائاً حرز، علی‌رغم اینکه، حد نصاب را داراست و در حرز هست، ولی حد ثابت نیست.

## اشکال عموم و خصوص من وجه در روایات

اشکالی دیگر، در اینجا وجود دارد که؛ میان روایات پنج‌گانه‌ای که مستند قول دوم، قرار دادیم، و روایاتی که می‌گوید؛ در حرز، قطع ید است، بین این دو دسته، رابطه عموم خصوص مطلق نیست که یکی را، مقید قرار دهید. پس، درواقع میان روایات بیان شده، عموم و خصوص من وجه، جاری است، لذا، در محل اجتماع، تعارضی صورت می‌گیرد که، پس از آن، دو دلیل تساقط کرده و به ادله دیگر، رجوع می‌نماییم.

## دو جواب بر اشکال فوق

به این اشکال سوم، از چند راه، می‌شود جواب داد؛ یک راه، این است که؛ عموم و خصوص من وجه بیان شده، حالتی بدوی دارد و با قرینه‌ای که، در بعضی از این روایات، وجود دارد؛ اینجا، نمی‌توانیم بگوییم؛ عموم خصوص من وجه است و در ماده اجتماع، تعارض و تساقط صورت می‌گیرد.

چراکه، در اینجا؛ یکی از دو دلیل، بر دیگری مقدم می‌شود، چون، در ماده اجتماع، ظهوری قوی و صراحت دارد.

لازم است بدانیم که؛ بنابرقاعده اصولی، میان دو دلیل من وجه، در ماده اجتماع تعارض است، الا اینکه، قدر متیقن یکی از دو دلیل، همان ماده اجتماع باشد. بنابراین، در این روایاتی که، در باب ثمره آمده است؛ قرائنی در آن، پیدا می‌کنیم که نشان می‌دهد؛ قدر متیقن آن‌ها، ثمره در حرز است.

پس، بنابراین پاسخ می‌دهیم؛ روایات بیان شده، ولو نسبت به حرز و غیر حرز، مطلق است، اما، قدر متیقن و مصداق بارز، آن جایی است که؛ قبل از چیدن، در حرز باشد.

از طرفی دیگر، جواب دومی، می‌شود به این اشکال داد که؛ قاعده عموم خصوص من وجه، که در ماده اجتماع، تعارض می‌کنند، چند جا، تبصره می‌خورد. یک تبصره از آن، ذکر شد و تبصره‌ای دیگر هم، در اینجا، مصداق پیدا می‌کند که؛ اگر عامین من وجه، طوری باشد که اگر، در ماده اجتماع، بگوییم؛ هر دو، می‌آیند و تعارض و تساقط می‌کنند؛ اگر در این فرض، یکی از دو دلیل لغو بشود، مستهجن خواهد بود، در این صورت؛ می‌گوییم؛ این دلیل، بر دیگری مقدم است.

و لذاست که؛ برای اینکه، این‌ها از آن استهجان و قطع ید، بیرون بیاید، باید گفته شود؛ در اینجا، منظور از ثمره قبل از چیدن، ثمره در حرز است که قطع ید ندارد. والا، اگر خارج آن، مراد باشد، فرضی مشخص و واضح است.

## اشکال محتوایی

اشکالی دیگر، در اینجا، وجود دارد که؛ ممکن است، کسی بگوید؛ این روایات، به میوه‌ها و زرع‌هایی که در غیر حرز است، اختصاص دارد، به قرینه اینکه؛ در آن زمان و در مدینه، غالباً باغات، حالت مزارع را داشته و در حرز، نبوده است. پس این روایت، مخصوص به آن حالت، خواهد بود.

جواب این اشکال، خیلی واضح است، چراکه؛ اولاً، اینکه در مدینه، غالباً این‌طور بوده، محل بحث است و ظاهر تاریخ، خلاف آن را نشان می‌دهد؛ ظاهرش، این است که؛ آن وقت هم، بساتین دارای حصار بوده است. ثانیاً، فرضاً در آن زمان، غالب موارد، این‌گونه بوده است، ولی در اصول، گفته شده است که؛ غالبیت در عالم خارج، موجب انصراف دلیل نمی‌شود؛

بلکه، باید در استعمال و در مقام محاوره، انصراف پیدا کند و مهم است که بدانید؛ این مرز، خیلی لغزان و لرزان است، چراکه همان غلبه در وجود، گاهی استعمال را، عوض می‌کند.

## اشکال حکومت دلیل حرز

اشکال دیگری که، می‌شود در اینجا مطرح کرد، این است که؛ امکان دارد، کسی بگوید که؛ دلیل حرز، حاکم بر این دلیل است. یعنی؛ دلیلی که می‌گوید؛ قطع ید، در حرز است، حاکم بر سایر ادله‌ای است که، در باب سرقت، وارد شده است.

جوابش این است که؛ درست است که دلیل شرط و حرز، نسبت به همه موارد، حاکم است، ولی نسبت به ثمره، حالت لغویتی پیدا می‌کند. به همان دو دلیلی که گفتیم، اینجا قاعده تعارض، اعمال نمی‌شود، که دلیل حرز، نمی‌تواند حاکم باشد. چون اگر دلیل حرز، بخواهد حاکم بر این روایات ثمره باشد، معنایش این است که؛ این روایات، حالت لغویت پیدا می‌کند. چون در مورد همه اموال، این‌طور است که، چیزی که در حرز باشد، قطع ید دارد. در غیر حرزش، بحثی نیست.

در جواب، می‌گوییم؛ بله، همیشه دلیل حاکم، مقدم بر محکوم است، الا، آنجایی که اگر بخواهد حکومت بکند، دلیل محکوم، لغو و مستهجن می‌شود.